

مروری بر مفاهیم و چارچوب نظری حاکمیت شرکتی

مریم سهرابی^۱

چکیده

حاکمیت شرکتی یکی از موضوعات با اهمیت روز و از مباحثی که نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذشت. این بحث در حال حاضر دغدغه تمام استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی و خروجی بخش حسابداری یعنی صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیح می‌باشد. این خروجی شامل تمام گزارشات مدیریت و فرایند عملکرد و دستورالعمل‌ها نیز می‌شود. هدف از پژوهش حاضر، مروری بر مفاهیم حاکمیت شرکتی می‌باشد. حاکمیت شرکتی، شالوده روابط شرکت با گروه‌های ذینفع است. ذینفعان اطلاعات مالی و محصول بخش حسابداری در اکثر وقت دارای اهداف متفاوت و همچنین خواسته‌های مختلف ارائه می‌دهند، اما در یک موضوع اتحاد نظر دارند. آن موضوع دقت، صداقت و قابل اتکا بودن اطلاعات مالی می‌باشد. حاکمیت شرکتی اهداف گروه‌های مختلف در پنگاه اقتصادی را با هم همسو کرده و سعی در پیش‌گیری از درماندگی مالی شرکتها و ایجاد ارزش برای سازمان دارد در این مقاله به ادبیات نظری و مفاهیم پایه ای حاکمیت شرکتی در پنگاه‌های اقتصادی پرداخته خواهد شد.

کلمات کلیدی: حاکمیت شرکتی، پنگاه اقتصادی، ذینفعان، حسابرسی داخلی

^۱ کارشناس ارشد مدیریت مالی دانشگاه تهران دانشکده مدیریت

مقدمه

پیدایش ایده ها و مفاهیم نظری موجود در مورد حاکمیت شرکتی به سال ۱۷۷۶ میلادی باز می گردد. اما از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی تا به امروز تبدیل به یک موضوع بحث برانگیز در سطح بین الملل شده است. (آدامس و همکاران، ۲۰۰۵). با توجه به رخدادهای و رسوایی های مالی شرکتها در دهه های اخیر این موضوع اهمیت بیش از پیش یافته است. بررسی علل و شرایط برخی از شرکتها بزرگ که زیان های کلانی داشته اند، ناشی از ضعف سیستم حاکمیت شرکتی و فقدان نظارت مدیریت، در آن ها بوده است. (فینگلد، ۲۰۰۵). جلوگیری از بروز چنین شرایطی مستلزم اجرای صحیح و نظارت دقیق و حسابرسی منظم شرکت هاست. اجرای صحیح اصول حاکمیت شرکتی در شرکتها باعث افزایش اعتماد مردم، ارتقای عملکرد و ارزش شرکت ها می گردد. و همچنین باعث کاهش میزان آسیب پذیری شرکت ها در دوران بحران مالی می گردد. (مظلوم و مخمل باف، ۱۳۹۶).

حاکمیت شرکتی

هیچ تعریف پذیرفته شده واحدی از راهبری وجود ندارد. تفاوت های اساسی در تعریف راهبری بسته به اینکه در کدام کشور مطرح است وجود دارد. تعاریف ارائه شده در این خصوص اساساً بر مختصات محیطی بریتانیا و ایالات متحده استوار است اما حتی با جمع و جور کردن و محدود نمودن قضیه در چارچوب یک کشور باز هم تعریف راهبری کار ساده ای نیست.

IFAC (فدراسیون بین المللی حسابداران) حاکمیت شرکتی را اینگونه تعریف می نمایند: مجموعه ای از مسئولیت ها و اقدامات بعمل آمده بوسیله هیأت مدیره و مدیریت اجرائی بمنظور جهت دهی استراتژیک برای حصول اطمینان از

نائل آمدن به هدف ها ، قطعیت در اعمال درست مدیریت ریسک و بررسی و بکارگیری مسئولانه منابع سازمانی.

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (حاکمیت راهبری) شرکتی را به اینصورت تعریف کرده است: مجموعه ای از روابط بین مدیریت، هیات مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان شرکت. حاکمیت شرکتی هم چنین ساختاری را فراهم می آورد که از طریق آن اهداف شرکت تدوین و ابزارهای دستیابی به این اهداف و هم چنین نحوه نظارت بر عملکرد مدیران مشخص می گردد. حاکمیت شرکتی مجموعه دستورالعمل ها، ساختارها، فرآیندها و هنجارهای فرهنگی است که شرکت ها با رعایت آنها به اهداف شفافیت در فرآیندهای کاری، پاسخگویی در مقابل ذینفعان و رعایت حقوق ایشان دست خواهند یافت. (چارلز، ۲۰۰۷).

به طور کلی تعارف حاکمیت شرکتی در تمامی متون دارای شاخص و ویژگی های مشترک هستند که یکی از آنها پاسخگویی است. (کیسی و همکاران، ۲۰۰۵).

به بیان دیگر، حاکمیت شرکتی به گونه ای اصولی، از به کارگیری سیاست ها و مکانیزم هایی حمایت می کند که ارزش آفرینی و کارایی عملکرد شرکت را افزایش می دهد و همچنین چارچوبی برای افزایش اعتماد بلندمدت سرمایه گذاران و ذینفعان می گردد. و در نهایت موجب بهبود رشد اقتصادی و گسترش بازار می شود. (احمدوند، ۱۳۸۵).

سالمون (۲۰۰۴) بیان می کند، عملکرد مالی شرکتها با اعمال حق حاکمیت شرکتی آن ها رابطه مثبتی دارد و مدیران بهتر، باعث افزایش ارزش آفرینی شرکت در دراز مدت می شوند.

دلایل اهمیت حاکمیت شرکت در سازمان

حاکمیت شرکتی به دلایل زیر حائز اهمیت است:

- ۱- چارچوبی را برای ایجاد اعتماد بلندمدت میان شرکت و تهیه کنندگان خارجی سرمایه فراهم می کند.
- ۲- با منصوب کردن مدیرانی که بانک تجربیات و ایده های جدید هستند، تفکر استراتژیک را به صدر شرکت هدیه میکند.
- ۳- مدیریت و نظارت بر ریسک جهانی پیش روی شرکت را منطقی می سازد.
- ۴- با تقسیم فرایند تصمیم گیری، اتکای به مدیران ارشد و مسئولیت آنان را محدود می سازد. (قدس، ۱۳۸۸)

تاریخچه حاکمیت شرکتی در ایران

سیستم حاکمیت شرکتی در ایران، بیشتر شبیه سیستم درون سازمانی (رابطه ای) است. طبق شواهد موجود، منشا این سیستم، قانون مدنی مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ و اصلاحات بعدی (شامل آخرین اصلاحیه مصوب دی -ماه ۱۳۶۱)، قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت - ماه ۱۳۱۱، عمدتاً قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفند ماه ۱۳۷۴ و قوانین و مقررات بورس اوراق بهادار می باشد.

قانون تجارت که از قوانین فرانسه و بلژیک اقتباس شده قدیمی و منسوخ بوده و دارای نواقص فراوانی است. هرچند که در سال ۱۳۴۷ مفاد ۲۱ تا ۹۴ قانون مذکور اصلاح و ۳۰۰ ماده جدید در مورد شرکتها جایگزین شد، به نظر می رسد اصلاحیه انجام شده نیز تغییر با اهمیتی در چارچوب اولیه قانون تجارت و ارتقای حاکمیت شرکتی ایجاد نکرده است. از زمان تصویب قانون بورس اوراق بهادار در

اردیبهشت ماه ۱۳۴۵ تاکنون ۴۹ سال می گذرد و به جز تلاش های چند سال اخیر، تغییر با اهمیتی در جهت ارتقای حاکمیت شرکتی در قوانین مربوطه رخ نداده است. بررسی سیستم حاکمیت شرکتی در کشورمان حاکی از آن است که قانون تجارت حاضر، همانند روابط تجاری گذشته منسوخ بوده و پاسخگوی کارکردها و روابط تجاری موجود نمی باشد. هرچند که تلاشهای فراوانی به ویژه در سالهای اخیر توسط مسئولان سازمان بورس اوراق بهادار در قالب دستورالعملها و ... انجام شده، لکن حاکمیت شرکتی، ارتقای چندانی نیافته است. (رهنمای رودپشتی و صالحی، ۱۳۸۸).

حاکمیت شرکتی درون سازمانی (رابطه‌ای):

حاکمیت شرکتی درون سازمانی، سیستمی است که در آن شرکتهای فهرست بندی شده یک کشور تحت مالکیت و کنترل تعداد کمی از سهامداران اصلی هستند. این سهامداران ممکن است اعضای خانواده موسس (بنیانگذار) یا گروه کوچکی از سهامداران مانند بانکهای اعتباردهنده، شرکتهای دیگر یا دولت باشند. به سیستمهای درون سازمانی به دلیل روابط نزدیک رایج میان شرکتهای سهامداران عمده آنها، سیستمهای رابطه‌ای نیز می گویند.

هرچند در مدل حاکمیت شرکتی درون سازمانی به واسطه روابط نزدیک میان مالکان و مدیران، مشکل نمایندگی کمتری وجود دارد، ولی مشکلات جدی دیگری پیش می آید. به واسطه سطح تفکیک ناچیز مالکیت و کنترل (مدیریت) در بسیاری از کشورها (مثلاً به دلیل مالکیت خانواده‌های موسس) از قدرت سوءاستفاده می شود. سهامداران اقلیت نمی توانند از عملیات شرکت آگاه شوند. شفافیت کمی وجود دارد و وقوع سوءاستفاده محتمل به نظر می رسد. معاملات مالی، مبهم و

غیرشفاف است و افزایش سوءاستفاده از منابع مالی، نمونه‌هایی از سوء جریانها در این سیستمها شمرده می‌شوند.

در واقع، در بسیاری از کشورهای آسیای شرقی، ساختارهای تمرکز افراطی مالکیت و نقاط ضعف مربوط به حاکمیت شرکتی به خاطر شدت بحران آسیایی در سال ۱۹۹۷ مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. در زمان بحران آسیایی، سیستمهای حاکمیت شرکتی در کشورهای آسیای شرقی به جای مدل برون‌سازمانی بیشتر در گروه درون‌سازمانی قرار داشتند.

حمایت قانونی ضعیفتر از سهامداران اقلیت در بسیاری از کشورهای آسیای شرقی به سهامداران اکثریت امکان داد تا هنگام بحران به اختلاس و سوءاستفاده از ثروت سهامداران اقلیت بپردازند. بررسیهای بعدی نشان می‌دهد که چگونه چند کشور از آسیای شرقی، تلاش کرده‌اند تا سیستمهای حاکمیت شرکتی خود را از طریق تغییر در قانون شرکتها از زمان بحران آسیایی اصلاح کنند. (حساس یگانه، ۱۳۸۴).

حاکمیت شرکتی برون‌سازمانی:

شرکتهای بزرگ توسط مدیران کنترل می‌شوند و تحت مالکیت سهامداران برون‌سازمانی یا سهامداران خصوصی قرار دارند. این وضعیت منجر به جدایی مالکیت از کنترل (مدیریت) می‌شود که توسط برل و مینز (۱۹۳۲) مطرح شد. همان طور که بعدها جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶) در نظریه نمایندگی مطرح کردند، مشکل نمایندگی مرتبط با هزینه‌های سنگینی است که به سهامدار و مدیر تحمیل می‌شود.

اگرچه در سیستمهای برون‌سازمانی، شرکتها مستقیماً توسط مدیران کنترل می‌شوند، اما به طور غیرمستقیم نیز تحت کنترل اعضای برون‌سازمانی قرار دارند. اعضای مذکور، نهادهای مالی و همچنین سهامداران خصوصی هستند. (حساس یگانه، ۱۳۸۴).

اصول حاکمیت شرکتی

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) برای نخستین بار مجموعه ای از اصول حاکمیت شرکتی را منتشر کرد. طبق تعریف این سازمان حاکمیت شرکتی عبارت است از مجموعه ای از روشها که روابط بین سهامداران، اعضای هیأت مدیره و مدیریت شرکت را تعریف می‌کند و بر چگونگی عملکرد شرکت تاثیر می‌گذارد. حاکمیت شرکتی ساختاری را ارائه می‌کند که از آن طریق اهداف شرکت، ابزارهای دستیابی به آن اهداف و نحوه نظارت بر عملکرد شرکت تعیین می‌گردد. با توجه به اینکه امروزه در اکثر موارد مدیریت شرکتها با مالکیت آنها متفاوت است، پیاده سازی اصول حاکمیت شرکتی در شرکتها باعث شفافیت بیشتر بین سهامداران و مدیران می‌گردد و هدف اصلی آن ایجاد اطمینان برای مالکان و سهامداران از این امر است که منافع آنها توسط مدیران حفظ خواهد شد.

- ایجاد زیربنای لازم برای اجرای حاکمیت شرکتی موثر
- حمایت از حقوق سهامداران عمده و جزء
- رفتار یکسان با کلیه سهامداران
- توجه به نقش ذینفعان در حاکمیت شرکتی
- شفافیت و افشای اطلاعات
- تعیین مسئولیتهای هیأت مدیره

در ایران نیز با توجه به بند ح ماده ۴ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران و در راستای حمایت از حقوق سرمایه گذاران، پیشگیری از وقوع تخلفات و سازماندهی و توسعه بازار شفاف و منصفانه اوراق بهادار، سازمان بورس اوراق بهادار دستورالعمل حاکمیت شرکتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را تدوین نمود. این دستورالعمل در ۴۴ ماده در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۲۷ به تصویب هیات مدیره سازمان بورس اوراق بهادار رسید. (رهنمای رودپشتی و صالحی، ۱۳۸۸) (برزگری خانقاه، قدک فروشان، ۱۳۹۴).

تئوری های حاکمیت شرکتی

تئوری نمایندگی

رابطه نمایندگی نخستین بار به صورت جدی در مقاله ای از جنسن و مککلینگ (Jensen & Meckling) در سال ۱۹۷۶ مورد توجه قرار گرفت. در نگاه کلی تئوری که روابط بین مالک و کارگزاران را در تجارت توضیح می دهد، تئوری نمایندگی گفته می شود، اما به طور خاص در بازار بورس، رابطه بین سهامداران و مدیران شرکت رابطه نمایندگی گفته می شود.

در این رابطه احتمال تضاد بین سهامداران و مدیران وجود دارد که این تضاد، تئوری نمایندگی نامیده می شود. تئوری یا مسئله نمایندگی می تواند مشکلاتی که در روابط بین مالکان و مدیران به وجود می آید، حل کند.

تئوری قراردادهای

براساس این تئوری شرکت قراردادهای مختلفی با افراد و گروه های مختلف منعقد می کند. و از طرفی دیگر موجب ایجاد حق و حقوقی برای آنها خواهد داشت. که این امر باعث ایجاد ارتباط بین شرکت و ذینفعان می گردد.

تئوری ذینفعان

یکی از نظریه‌هایی که در خصوص قلمرو و حاکمیت شرکتی مطرح شده است و دارای طرفدارانی نیز می‌باشد، تئوری ذینفع یا ذینفعان است. نظریه ذینفعان به طور رسمی در سال ۱۹۸۴ توسط آر. ادوارد فریمن در کتاب او "Strategic Management: A Stakeholder Approach" مطرح شد. ذینفعان سازمان گروه‌هایی هستند که از یک سو می‌توانند از شرکت تأثیر و از سویی دیگر بر آن تأثیر بگذارند. این گروه‌ها معمولاً شامل سرمایه‌گذاران، عرضه‌کنندگان، کارکنان، مشتریان، رقبا، اتحادیه‌های محلی و نهادهای قانون‌گذاری هستند.

تئوری هزینه معاملات

در این تئوری شرکت نه تنها به عنوان یک واحد اقتصادی عمومی، بلکه به عنوان یک سازمان متشکل از افراد با دیدگاه‌ها مختلف است. اقتصاد سنتی تمام کارگزاران اقتصادی را منطقی، و افزایش سود را هدف اولیه تجارت میدانند. برعکس، اقتصاد هزینه معاملات، رفتار انسان را واقع‌بینانه در نظر می‌گیرد در این الگو، مدیران و دیگر کارگزاران اقتصادی، منطق محدود را به کار می‌برند. اقتصاد هزینه معاملات، فرض اساسی فرصت‌طلبی را می‌سازد. که در آن مدیران همچون افراد دیگر در برخی از مواقع فرصت طلب هستند که. نتیجه آن بکارگیری تمام روش‌های موجود برای افزایش منافع شخصی است. که شاید نتایج نامطلوبی برای شرکت و سهامداران به بار آورد. که این عملکرد نیاز به کنترل دارد.

تئوری عدم تقارن اطلاعاتی

در علم اقتصاد و نظریه قرارداد، عدم تقارن اطلاعات به بررسی معاملاتی که در آن یک طرف معامله اطلاعات بیشتری یا بهتری از طرف دیگر دارد می‌پردازد.

این پدیده باعث ایجاد یک نوع عدم توازن قدرت در معاملات می شود که گاهی می تواند باعث خراب شدن معاملات، یا در بدترین حالت به شکست بازار بینجامد. از نمونه هایی این مشکل می توان به کثرت گزینی (انتخاب جانبی) و کثرت منشی و انحصار اطلاعات اشاره کرد.

تئوری مشروعیت

تئوری مشروعیت فرض میکند که سازمان ها بطور مستمر به دنبال اطمینان از این هستند که فعالیت هایشان از سوی جامعه دارای مشروعیت هستند. به عبارتی سازمانها می خواهند نشان دهند که عملیاتشان در راستای هنجارهای جامعه هستند.

تئوری نهادی

تئوری نهادی نوین بیان می دارد که سازمان ها بر اساس پذیرش فشارهای نهادی به طور اجتماعی مشروعیت، منابع و بقا کسب می کنند. این تئوری، عملیات سازمان را در بعد استراتژیکی و نهادی به عنوان پاسخ به فشارهای رقابتی و نهادی تشریح می کند. به عبارتی در شکل افراطی، سازمان ها را به عنوان پدیده های وضع شده توسط محیط و ارزشهای محیطی تلقی می کند که وجود و تشکیل خود را متکی به محیط می دانند و محیط به طور کامل بر آنها مسلط است. در این سازمانها، ساختار، رویه ها و ایده ها نه بر مبنای کارایی بلکه بر مبنای تعاریف بیرونی تطبیق داده می شوند. (مشبکی و همکاران، ۱۳۸۹).

تئوری انتخاب استراتژیک

دیدگاه تئوری انتخاب استراتژیک، به منظور توضیح رفتارهای سازمانی بر اقدامات ارادی اعضای سازمان همسو با محیط تاکید دارد. تمرکز اصلی این تئوری بر پاسخ های تطبیقی سازمان نسبت به محیط همراه با ابتکار عمل سازمان در این

باره است. (رهنمای رودپشتی و صالحی، ۱۳۸۸) (برزگری خانقاه، قدک فروشان، ۱۳۹۴).

نتیجه گیری

مطالعه حاضر بر مفهوم حاکمیت شرکتی تاکید دارد. بنابراین، براساس مبانی نظری و پیشینه عملی در سراسر دنیا، برای اطمینان از کارکرد مناسب شرکت‌ها و بازار سرمایه و افزایش اعتماد سرمایه -گذاران داخلی و خارجی ارتقای حاکمیت شرکتی در بازار سرمایه کشورمان ضرورت حیاتی دارد. افزون بر آن ارتقای حاکمیت شرکتی موجب افزایش سرمایه گذاری های بلندمدت و رشد اقتصادی خواهد شد و فقدان حاکمیت شرکتی مناسب، سلب حقوق سهامداران (به ویژه سهامداران جزء)، سوء استفاده -های احتمالی مدیران، فرار سرمایه و ... را به همراه خواهد داشت.

پیشنهاد

پیشنهاد می شود موارد زیر مورد عنایت جدی قرار گیرد و اجرای آن برای شرکت های فعال در بازار بورس اجباری و برای بقیه شرکت ها اختیاری باشد:

۱. اصلاح ساختار مالکیت شرکت ها و کاهش تمرکز مالکیت
۲. توجه به حقوق سهامداران اقلیت و برخورد منصفانه با سهامداران از طریق

ایجاد حسابرسی داخلی

۳. گسترش سرمایه گذاری نهادی با برقراری موضوع حاکمیت شرکتی
۴. شفافیت مالی و افشای اطلاعات (شامل گزارشگری مالی سنتی، گزارش کمیته حسابرسی به مجمع عمومی و...) بر اساس استانداردها و اصول حاکمیت شرکتی

۵. استقرار سیستم های حسابداری و کنترل های داخلی کارآمد (شامل کمیته حسابرسی متشکل از اعضای هیات مدیره غیر موظف و حسابرسی داخلی مناسب و ...)
۶. اصلاح ساختار، وظایف و اختیارات هیات مدیره غیرموظف، موظف و مدیرعامل
۷. توجه به روابط ذینفعان شرکت جهت ایجاد شفافیت بالاتر

منابع

احمدوند، ژیلا. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده رد بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.
برزگری خانقاه، جمال. قدک فروشان، مریم. (۱۳۹۴). مروری جامع بر مبنای نظری و مطالعات انجام شده در حوزه حاکمیت شرکتی. دومین همایش ملی حاکمیت شرکتی دانشگاه الزهرا. ۱-۲۷.

حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). سیستم های حاکمیت شرکتی. حسابدار. شماره ۱۶۹.
رهنمای رودپشتی، فریدون. صالحی، اله کرم. (۱۳۸۸). مکاتب و تئوری های مالی و حسابداری، تهران. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
مشبکی، اصغر. خدامی، سهیلا. تقوی شوازی، الهه. (۱۳۸۹). نظریه ی نهادی نوین تلفیقی و نقش آن بر ایجاد مزیت رقابتی. پژوهشنامه ی مدیریت اجرایی. سال دهم. شماره ۱. ص ۱۷۳-۱۵۰.

Adams, R. , Almeida, H. and Ferreira, D. (۲۰۰۵), "Powerful CEOs and their impact on corporate performance", Review of Financial Studies, Vol. ۱۸ No. ۴, pp. ۱۴۰۳-۱۴۳۲.

Berle, A. A , & Means, C. (۱۹۳۲). The modern corporation and private property. New York: Macmillan, ۳, ۴۵.

Charles Piot. (۲۰۰۷). Corporate Governance, Audit Quality and the of French Listed Companies. Associate Cost of Debt Financing Professor - Montpellier Business School.

D. (۲۰۰۷). "Corporate Boards and Hecht, Finegold, D., Benson, G.S. & company performance", review of research in light of recent reforms, corporate governance, ۱۵(۵), ۸۶۵-۸۷۸

<http://www.pex.ps/>. Palestine Exchange. [Online]
<https://www.pex.ps/PSEWEBSITE/publications/IRenglish-web.pdf>

Keasey, K., Thompson, S. and Wright, M. (۲۰۰۵). Corporate
Wiley & Sons Inc. governance, John
Jensen, M.C. (۱۹۸۶). Agency cost of free cash flow, corporate finance,
.Review, Vol. ۷۶, pp. ۳۲۳-۳۲۹. and takeovers, American Economic